

## اعلامیه مطبوعاتی

کارگران زن در مزارع روغن نخل جنوب شرقی آسیا تاکنون قربانی سوءاستفاده (جنسی) قرار می‌گیرند که ناشی از نظام

کپیتلیزم (دموکراسی) می‌باشد

(ترجمه)

خبرگزاری اسوشیتد پرس (AP) در تاریخ 19 نوامبر 2020م، گزارشی را در مورد سوء استفاده و بهره‌برداری (استثمار) زنان در تولید روغن نخل در اندونیزیا و مالیزیا مانند دریافت دستمزد پایین، کمبود و عدم حفاظت از سلامتی زنان و تحمل بار غیرانسانی و سوء استفاده جنسی از جمله تهدید به تجاوز جنسی، منتشر نمود. اسوشیتد پرس (AP)، با بیشتر از سه دوجین (دوازده) زن و دختر از حداقل 12 شرکت تولید روغن نخل در اندونیزیا و مالیزیا، مصاحبه نموده است.

روغن نخل در بسیاری از محصولات یا کالاهای تجارتي یافت می‌شود و هم‌چنین در برخی از بزرگ‌ترین برند/مارک‌های صنعت زیبایی 530 میلیارد دلاری، از جمله "لوریال (L'Oréal)", "یونیلیور (Unilever)", "پورکتر و گمبل (Procter & Gamble)", "آون (Avon)" و "جانسون و جانسون (Johnson & Johnson)" استفاده می‌شود. اندونیزیا بزرگ‌ترین تولیدکننده روغن نخل در جهان است و در احصائیه تخمین شده که حدود 7.6 میلیون زن در مزارعه آن کار می‌کنند. طبق گزارش "وزارت توانمندسازی زنان و حمایت از کودکان (MoWECP)" این حدود نیمی از کل نیروی کار است. اندونیزیا و مالیزیا به ترتیب با 14 میلیون و 6 میلیون هکتار از اراضی روغن نخل، از جمله دو کشوری هستند که بر بازار جهانی CPO تسلط دارند. اما از قضا و خیلی تمسخرانه، از 14 میلیون هکتار زمین نخل روغنی در اندونیزیا، نیمی از آن متعلق به تجارت‌های خصوصی، از جمله شرکت‌های خارجی است. در حقیقت، بهره‌وری/حاصل‌خیزی زمین‌های خصوصی تا 60 درصد از کل بهره‌وری روغن نخل ملی در اندونیزیا ارزش دارد. این "الگوی پالیسی (policy pattern)" یعنی الگوگیری از سیاست‌های اقتصادی غربی منجر به نابرابری در مالکیت زمین‌های کشاورزی شده است. در اندونیزیا، تنها حدود 1 درصد از مردم تقریباً 59 درصد از منابع کشاورزی، زمینی و فضایی/هوایی را کنترل و تحت کنترل خود دارند. به علاوه، اندونیزیا و مالیزیا علی‌رغم آسیب دیدن جنگل‌های بارانی گرم‌سیرش، به کشت و زرع نخل روغنی خود ادامه می‌دهند. این امر در کنار خصوصی‌سازی بیشتر زمین‌های این دو کشور به طور گسترده، باعث نادیده گرفتن و بهره‌برداری از کارگران زن کم درآمد توسط بخش خصوصی شده است.

این امر واضح است که زنان نه تنها قربانی شرکت‌های چند میلیاردی حریص هستند، بلکه در اصل قربانی نظام سرمایه‌داری (دموکراسی) اند که فقط زنان را به عنوان ابزار تولید، نیروی کار ارزان و دارایی‌های اقتصادی برای افزایش سود/مفاد و درآمد تجارت‌های بزرگ و دولت‌ها می‌بینند. تحت این نظام دموکراسی، زنان نه تنها به عنوان کارگر در مزارع روغن نخل که صنعت زیبایی کپیتلیزم را تغذیه می‌کنند، بلکه هم‌چنین از طریق فروش بی‌رحمانه تولیدات زیبایی توسط این شرکت‌ها که میلیاردها میلیارد دلار پول را از طریق کار این زنان به دست می‌آورند، شناخته می‌شوند. بناءً این امر باعث رنج جسمی و روحی این زنان نیز می‌شود. در حقیقت، حاکمان و رژیم‌های سرزمین‌های اسلامی در رابطه با محافظت از مردم خود به ویژه زنانی که بیشتر در معرض خطر و شکار توسط کپیتلیزم هستند از تمامی دیدگاه اسلامی بخاطر محافظت زنان عاجز و ناتوان اند. علاوه بر این، آن‌ها سیاست‌های کشاورزی کپیتلیزم مبتنی بر آزادی مالکیت را به طور سیستماتیک پیاده‌سازی کرده اند که به سرمایه‌گذاران خصوصی

و خارجی اجازه می‌دهند تا مالکیت مناطق عظیم استراتژیک را بدست آورند که در اصل این مناطق باید به عوض چند شرکت ثروتمند به نفع مردم استفاده شود.

نظام خلافت در تناقص صریح با نظام کپی‌تلیزم قرار دارد؛ زیرا کپی‌تلیزم نقش دولت را بخاطر حمایت از مردم‌اش محدود می‌پندارد. رسول الله صلی الله علیه وسلم می‌فرماید:

«الإِمَامُ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ»

ترجمه: امام (حاکم) محافظ و مسئول در برابر رعیت‌اش است.

بنابراین، نقش دولت در اسلام در رسیده‌گی به امور و نیازهای مردم بسیار حیاتی است. وظیفه اصلی دولت خلافت اسلامی خدمت و رسیدگی به نیازهای هر شهروند (رعیت)، حمایت از افراد آسیب‌پذیر و جلوگیری از هرگونه بی‌عدالتی است. تحت این نظام دموکراسی، مشکل کار مهاجرین و سایر اشکال کار استثمار و بهره‌برداری، که میلیون‌ها زن را قربانی می‌کند، قابل تحمل نیست و دولت اسلامی به دنبال ریشه‌کن کردن این معضل خواهد بود. گذشته از این، زنان در اسلام من‌حیت افتخار و شرف شناخته می‌شوند نه به عنوان نیروی کار ارزان. اسلام به زنان امتیاز و کرامت داشتن سرپرستی مرد هم‌چون شوهر، پدر یا برادرش را عطاء نموده است و بر آنان لازم است همیشه این‌ها را حمایت نمایند. هرگاه این زنان و دختران خویشاوندان مرد تأمین هزینه‌های زنده‌گی‌شان را نداشته باشند، بر دولت واجب و ملزم می‌شود تا نیازهای مالی آنان را تأمین کند. علاوه بر این، اسلام یک سیاست کشاورزی عادلانه دارد که مانع از انحصار زمین توسط نخبگان ثروتمند می‌شود و مالکیت فردی زمین را برای کمک به مردم به‌منظور بهبود سطح زندگی‌شان تسهیل می‌کند. این امر در کنار منع مالکیت خصوصی در زمین‌های دارای منابع طبیعی فراوان مانند نفت، گاز و مواد معدنی است و دولت اسلامی آن‌ها را به عنوان اموال عمومی طبقه‌بندی می‌کند که باید به نفع همه شهروندان باشد. به همین دلیل است که خلافت به عنوان محافظ و حامی مردم ضعیف، فقیر و آسیب‌پذیر از منافع خودخواه ثروتمندان و قدرتمندان عمل می‌کند و به همین دلیل خلافت یگانه دولتی است که از حقوق و ناموس زنان به روشی که شایسته آن‌هاست محافظت خواهد کرد.

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى﴾ [طه: 124]

ترجمه: و هرکه از یاد من روی بگرداند (و از احکام کتاب‌های آسمانی دوری‌گزیند)، زندگی تنگ (و سخت و گرفته‌ای) خواهد

داشت و روز قیامت او را نابینا حشر می‌کنیم.

بخش زنان دفتر مطبوعاتی مرکزی حزب التحریر

شماره صدور: AH / 014 1442

17 ربیع ثانی 1442 ه.ق

2 دسمبر 2020 م

مترجم: داکتر زکریا